

ده بالاترین نماد اعتراض

Top 10 Protest Symbols

منبع: نشریه تایم

<http://www.time.com/time/photogallery/0,29307,1906434,00.html>

تهیه، تنظیم و برگردان به فارسی: نادر ثانی

سایت ریشه‌ها

www.nadersani.net

در اینجا سخن از افرادی است که با حرکت خود اثری عمیق در سیر تاریخ گذاشته‌اند. گذشته از این که این افراد چگونه اعتراض خود را به فریادی رسا تبدیل کرده‌اند، چه با ایستادن خود در مقابل تانک‌هایی در حال حرکت، چه با عدم قبول واگذاری اجباری جای خود در یک اتوبوس و چه با طعمه شدن در مرگی غم‌انگیز در خیابانهای شلوغ و پُرخواب تهران، همگی به نمادی ب‌رای بازتاب دادن و پرافروختن احساسات در مورد اعتراضات خود شده‌اند.

انتخاب چنین عکسهایی از میان انبوهی از دوران سپری شده و آثار و خاطرات به‌جای مانده همواره دشوار بوده و وابسته به دلبستگیها و نظرات انتخاب‌کننده می‌باشد. می‌توان در مورد بودن این و یا آن عکس نظرات بسیار داده و ساعتها بحث و گفتگو کرد. عکسهایی که در اینجا عرضه می‌شوند عکسهای انتخابی نشریه تایم هستند.

۱. شلیکی که در سراسر دنیا شنیده شد!



بسیاری از رسانه های ارتباطات جمعی اعتراضاتی را که پس از اعلام نتیجه جتجال برانگیز انتخابات اخیر ریاست جمهوری ایران صورت گرفته اند پوشش داده اند، پوششی که بیش از همه بر اساس عکسهایی که توسط دوربین تلفن های همراه گرفته شده انسانهای معمولی کوچه و خیا بان و خبرهایی که توسط مردم معمولی نوشته شده اند، تنظیم گشته اند. شناخته شده ترین این تصاویر فیلمی است که توسط یک تلفن همراه گرفته شده و لحظه های پایانی زندگی ندا آقاسلطان، دختری ۲۶ ساله را در روز ۲۰ ژوئن سال ۲۰۰۹ (مطابق با ۳۰ خرداد سال ۱۳۸۸) نشان می دهد. این کلیپ ۴۰ ثانیه ای که در اینرنت بازتابی باورنکردنی داشته است وصیتنامه ای مصور بر سرکوب وحشیانه اعتراضات می باشد: ندا که با چشمان سرشار از گفته های برزبان نیامده خود به طرف دوربین نگاه می کند پس از اصابت گلوله به سینه اش در خلال تظاهرات خیابانی در تهران، در حال مبارزه برای ادامه زندگی به کمک افرادی که در پیرامون او بوده و به یاریش شتافته اند می باشد. نام او که به فارسی به معنای صدا و فریاد می باشد به غریوی متحدکننده برای جنبش مخالفین معترض تبدیل شده و نمادی برای مقاومت آنان گشته است.



۲. حد اعلای گذشت از خود



در برخی از موارد یک عکس توان آنر را دارد که دنیا را تغییر دهد. در روز ۱۱ ژوئن سال ۱۹۶۳ (مطابق با ۲۱ خرداد ۱۳۴۲) یک راهب بودایی به نام "تیش گوانگ دوک Thich Quang Duc" چهار زانو در خیابان شلوغی در شهر سائگون Saigon، شهری که امروز شهر هوشی مین نام دارد، نشست، بنزینی را که در پیتی که به همراه داشت بود روی خود و لباس گشادش ریخته و خود را به آتش کشید. بدن او بسیار سریع غرقه در در شعله‌های آتش شده و در میان آنها محو شد. اعتراض وی بیش از هر چیز علیه آزار و اذیتی بود که حکومت آن زمان ویتنام جنوبی (رژیم دست‌نشانده ایالات متحده آمریکا) بر علیه بودایی‌ها اعمال می‌کرد، بود. اعتراض تیش گوانگ دوک زمانی که راهبان دیگری نیز چون او عمل کرده و خود را به همان شکل به آتش کشیدند، اثر خود را گذاشت. رئیس‌جمهور وقت "نگو دین دیم Ngo Dinh Diem" اعتبار خود را از دست داده و پس از چندی بر اثر یک کودتا از اریه قدرت پایین کشیده شده و تیرباران شد.



۳. سقوط صدام حسین



همزمان با این واقعیت که حمله ایالات متحده آمریکا به عراق و اشغال این کشور توسط نیروهای مسلح ایالات متحده تا مدتی طولانی بحثبرانگیز است، در این امر شکی نیست که سقوط صدام حسین که یکی از بدنامترین دیکتاتورهای دنیا بود شادمانی فراوانی برای بسیاری از مردم عراقی به همراه داشت. در روز ۹ آوریل سال ۲۰۰۳ (مطابق با ۲۰ فروردین ۱۳۸۲) زمانی که نیروهای ایالات متحده وارد بغداد شدند مردم بغداد زنجیری بر دور کردن مجسمه‌ی صدام حسین در میدان "فیردوس Firdos" این شهر انداخته و با کمک یگان کوچکی از نیروی دریایی ایالات متحده و ماشین‌های آنان این مجسمه را به پایین کشیدند. مجسمه سرنگون شده با کمک این ماشینها در خیابانهای بغداد بر زمین کشیده شد. به پایین کشیدن مجسمه صدام نمادی درخشان برای نمایش آزادی توده از قهرورژیم جنایتکار صدام گردید.



۴. مرگ چهار نفر در اوهایو



در روز ۴ ماه مه سال ۱۹۷۰ (مطابق با ۱۴ اردیبهشت ۱۳۴۹) به اعتراضات توده‌ای علیه جنگ ویتنام در "دانشگاه ایالتی کنت Kent State University" شکلی ناهنجار داده شد. زمانی که دانشجویان در حال پراکنده شدن بودند به ناگاه "سربازان گارد ملی اوهایو Ohio National Guardsmen" به سوی جمعیت آتش گشودند. در اثر شلیک این گلوله‌ها ۴ نفر کشته و ۹ نفر زخمی شوند. این روز سیاه سبب آن شد که دانشجویان اعلام آغاز اعتصاب عمومی در تمامی دانشکده‌ها بکنند. صدها دانشکده و دانشگاه در اثر این اعتصاب تعطیل شده و این خود نمادی از حاد شدن تضادهای سیاسی و اجتماعی دوران گردید. در میان عکس‌هایی که در مورد این ماجرای غم‌بار بیرون آمد تصویر بالاست که دختر ۱۴ ساله دانش‌آموزی به نام "ماری وچو Mary Vecchio" را نشان می‌دهد که بر بالای پیکر "جفری میلر Jeffrey Miller"، یکی از ۴ از پای درآمده در این کشتار شیون می‌کند. این عکس که توسط "جان فیلو John Filo"، یکی از دانشجویان رشته عکاسی دانشگاه انداخته شده بود با سرعت بسیار در صفحه اول بسیاری از روزنامه‌های کشور چاپ شده و اثری عمیق در آحاد جامعه گذاشت. پس از مدتی جان فیلو جایزه پراعتبار "Pulitzer Prize" در رشته عکاسی را به خاطر این عکس کسب نمود.



۵. کنسرتی فراموش‌نشده‌ی در یکی از مراکز اجتماعی



"ماریان آندرسون **Marian Anderson**" خواننده‌ای سیاهپوست بود که صدایی جادویی داشت، صدایی که گفته می‌شود "آرتورو توسکانینی **Arturo Toscanini**"، رهبر نامی ارکسترهای سمفونیک در موردش گفته است که هر ۱۰۰ سال تنها یک بار می‌توان به چنین صدایی برخورد کرد. تعجب‌انگیز آن که او در دهه ۱۹۲۰ در ایالات متحده آمریکا، سرزمینی که اثرات به کارگیری سیستم برده‌داری در خلال بیش از ۲۰۰ سال در جامعه به شکلی گریا به جای مانده بود، کشوری مه تا آن زمان سیاهپوستان هنوز اجازه حضور در سالنهای معروف کنسرت را به دست نیاورده بودند، همانگونه که اجازه نداشتند در صندلیهای جلوی اتوبوس بنشینند، ستاره ای درخشان بود. صدای فوق‌العاده او گویا توان آن را داشت که سدهای اجتماعی را در هم بشکند: در سال ۱۹۳۶ او نه تنها اولین خواننده سیاهپوستی شد که توانست در کاخ سفید به اجرای برنامه بپردازد، بلکه از نخستین خواننده هایی بود که تمامی بلیتهای سالنهای کنسرتهايش به فروش می‌رفتند. مهمترین ارثیه هنری او کنسرتی در سال ۱۹۳۹ بود که او هرگز به اجرا در نیاورد! سازمان "دختران انقلاب آمریکا **The Daughters of the American Revolution**" به او به دلیل سیاهپوست بودنش اجازه ندادند که در سالن کنسرت آنان در واشنگتن، "سالن قانون اساسی **Constitution Hall**"، برنامه اجرا بکند. این تصمیم ناعادلانه منجر به آن شد که افراد سرشناسی چون "الینور روزولت **Eleanor Roosevelt**"، همسر رئیس‌جمهور وقت، در اعتراض عضویت خود در این سازمان را لغو بنمایند. دولت فدرال ایالات متحده نیز در عکس‌العملی در مقابل این بی‌عدالتی ایم امکان را فراهم آورد که ماریان آندرسون در عوض برنامه خود

را در سالن مجموعه ساختمان "یادبود لینکلن Lincoln Memorial" برگزار نماید. آن روز یکشنبه عید پاک، در روز ۹ آوریل ۱۹۳۹ (مطابق با ۱۹ فروردین ۱۳۱۸)، ۷۰۰۰۰ آمریکایی در محل و میلیونها نفر از طریق رادیو به کنسرت ماریان آندرسون گوش دادند. عکس بالا نمایشگر این کنسرت است، برنامه‌ای که با ترانه "کشورم، از توست My Country, 'Tis of Thee" آغاز شده و ماریان را با سرعت به مثابه یکی از چهره‌های سرشناس مباره برای کسب حقوق شهروندی تبدیل نمود. بخشی از این کنسرت را می‌توانید در اینترنت با مراجعه به آدرس زیر ببینید:

<http://www.youtube.com/watch?v=wQnzb0Jj074>



۶. فردی که با پایش رای داد!



"ای سگ! این بوسه بدرود است!" جمله‌ای بود که خبرنگار عراقی "منتظر الزیدی Muntazer al-Zaidi" در روز ۱۴ دسامبر ۲۰۰۸ (مطابق با ۲۴ آذر ۱۳۸۷) در خلال یک کنفرانس مطبوعاتی هنگام پرتاب لنگه کفش‌هایش به طرف "جورج دبلیو بوش George W. Bush"، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده خطاب به او فریاد زد. بوش جاخالی داده و از اصابت لنگه کفش‌ها در امان ماند، اما ماموران امنیتی عراقی به خود اجازه بخشش نداده و الزیدی را به شدت کتک زدند. تصاویر این عمل اما به سرعت در تمام جهان پخش شده، در صدر خبرها قرار گرفته و این خبرنگار را در چشمان افراد بسیاری به یک قهرمان تبدیل کرد. هر چند که الزیدی پس از مدتی به سه سال زن دان محکوم شد اما عملش نه تنها فراموش نشد که حتی از جانب برخی مورد کپی برداری قرار گرفت: "مارتین جاهونکه Martin Jahnke"، یکی از دانشجویان دانشگاه کمبریج، زمانی که "ون ژیا باو Wen Jiabao"، نخست‌وزیر چین، برای بازدید به آنجا آمده بود او را به همین شیوه مورد پذیرایی خود قرار داد.



۷. این دیوار را متلاشی کنید!



در تمامی مدتی که دیوار برلین، دیواری که در سال ۱۹۶۱ بر پا گشته و دو بخش شرقی و غربی شهر را از هم جدا می‌کرد، وجود داشت این دیوار نمادی از شکاف عمیق پس از پایان جنگ جهانی دوم بین آلمان غربی و آلمان شرقی و شدت‌یابی جنگ سرد بین قدرتهای بزرگ جهان به شمار می‌آمد. ساخته شد این کار سمبل جنگ بین دو طرف بود جنگ سرد. در روز ۹ نوامبر سال ۱۹۸۹ (مطابق با ۱۸ آبان ۱۳۶۸) در پی رویدادهایی تعیین‌کننده لحظه‌ای فرا رسید که تاریخ اروپا را تغییر داد. آلمان شرقی اعلام کرد که می‌خواهد مرزهای خود بر غرب را بگشاید. در پی این اعلام ده‌ها هزار نفر به خیابان‌ها ریخته به رقص و شادی مشغول شده، سدها را در هم شکسته و دیوار برلین را تکه‌تکه از جای برداشتند. دیواری که ۲۸ سال جدایی مرگ‌بار به وجود آورده بود فرو ریخته و دورانی نوین آغاز گردید. در ماه اکتبر سال بعد آلمان بار دیگر به طور رسمی مبدل به یک کشور واحد گردید. در هم ریختن دیوار برلین پس از مدتی به سقوط اتحاد جماهیر شوروی و پایان یافتن جنگ سرد منجر شد.



۸. برپاشدن از طریق برجای نشستن!



با وجود آن که سیاهپوستان شهر "مونتگمری Montgomery" در ایالت "آلاباما Alabama" در ایالات متحده آمریکا هفتاد درصد مسافران اتوبوس را تشکیل می دادند ولی "روزا پارک Rosa Parks"، زن سیاهپوست آمریکایی هنوز در روز اول دسامبر سال ۱۹۵۵ (مطابق با ۹ آذر ۱۳۴۴) برای نشستن بر روی صندلی اتوبوس در بخش جلویی اتوبوس مشکل داشت. مشکل ساز قانونی ناعادلانه بود که به او به مثابه یک زن سیاهپوست حکم می کرد که جای خود را به سفیدپوستن بدهد. عدم تمکین او از این قانون و برجا نشستن او در آن روز جنجالی منجر به بازداشت او شده و گشایشگر جریان "بایکوت اتوبوس در مونتگمری Montgomery Bus Boycott" از جانب نیروهای مترقی گردید. یکسال بعد دادگاه عالی ایالات متحده این قانون را که از جانب دادگاه پایین تری وضع گردیده بود در تضاد با قانون اساسی کشور ارزیابی کرده و آن را حذف نمود. روزا پارک از آن پس بعنوان مادر جنبش حقوق برابر شهروندی شناخته شد.



۹. مشتانی گوه کرده بر آسمان!



"تومی اسمیت Tommie Smith" و "جان کارلوس John Carlos" دو دونده سیاهپوست از ایالات متحده آمریکا بودند که در المپیک مکزیک در روز ۱۶ اکتبر سال ۱۹۶۸ (مطابق با ۲۴ مهر ۱۳۴۷) در دو ۲۰۰ متر رتبه‌های اول و سوم را کسب کردند. این دو قهرمان زمان اعطای مدالها از فرصت استفاده کرده و در اعتراض به ادامه ناعدالتیهای اجتماعی علیه سیاهپوست در ایالات متحده مشتان خود را بر سکوی قهرمانی بالا بردند. آنان جورابه‌های سیاه بر پا داشتند تا نمادی از فقر سیاهپوستان باشد. کارلوس گردنبندی سیاه بر گردن داشت تا نمادی از کشتار بی‌رحمانه سیاهپوستان باشد. مشتان گره کرده و برافراشته آنان نماد اتحاد و ایستادگی سیاهپوستان بود. "پتر نورمن Peter Norman" استرالیایی فردی که مقام دوم را در این رشته کسب کرده بود، نشان پروژة المپیک برای حقوق بشر را بر گرمکن خود زده بود تا به این شکل همگامی خود را نشان دهد. این عمل از او در هنگام بازگشت به میهنش قهرمانی فراموش نشدنی ساخت. اما اسمیت و کارلوس به خاطر حرکاتشان از مسابقات بیرون رانده شدند. هیچیک از این دو نفر در هلال سالهای بعد از کاری که کرده بودند ابراز پشیمانی نکردند.



۱۰. یک شورشی ناشناس!



پس او مرگ "هو یا او بلنگ Hu Yaobang" یکی از رهبران جنبش دموکراسی طلبی چین در اواسط سال ۱۹۸۹ دانشجویان آواز به جمع شدن در "میدان تیان آنمن Tiananmen Square" در پکن کردند تا مراسم سوگواری برای مرگ او برگزار کنند. در خلال ۷ هفته مردم زیادی از هر جانب به میدان می آمدند که به دانشجویان ملحق شده و برای دستیابی به آزادی صدای اعتراض خود را بالا ببرند. دولت چین برای پخش جمعیت معترض در روز ۴ ژوئن (مطابق با ۱۴ خرداد ۱۳۶۸) تانک های نظامی خود را وارد خیابان ها کرد که به طرف تظاهرات کنندگان هجوم برده و سیل شلیک بی هدف گلوله های خود را آغاز نمودند تا به اینگونه جمعیت را متفرق سازند. در این ماجرا بیش از ۲۰۰ نفر کشته شدند. در این میان مرد سرکش و تنهایی هود را به میان میدان رسانده و در مقابل صف تانک ها ایستاد تا جلوی کشته شدن مردم را بگیرد. تانکها برای ادامه حرکت خود را به این سو و آن سو می کشانند و آن مرد شجاع و ناشناخته نیز برای جلوگیری از حرکت تانکها همین کار را می کرد و در یک مرحله نیز حتی تلاشی کرد که به بالای یکی از این تانکها رفته و از آنجا خود را به درون تانک برساند ! این پوسش که این فرد چه کسی بود هرگز بی پاسخ مانده است: برخی می گویند که او پس از این ماجرا و در این رابطه کشته شد. برخی نیز مدعی هستند که او خود را به تایوان رسانده و در آنجا مخفی شده است. به هر رو این مرد ناشناخته نیز به این گونه تاریخ ساز شد.

